

رضا احمدی  
(پژوهشگر)

# مقدّمات

خلاصه سخنرانی آیت‌الله موسوی تبریزی  
در نشست فقه پژوهی دیه در اصفهان

# تکالیف و خطرات دایه

در ماه‌های حرام و حرم



صنایع حیات

سال سوم  
شماره هجدهم  
۳۲ بهمن و اسفند عام ۱۳۹۳

## معرفی:

آیت‌الله موسوی تبریزی از اساتید دروس خارج فقه و دبیر کل مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه هستند. ایشان در مناصبی چون دادستان کل انقلاب در زمان بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت امام خمینی و از مؤسسين دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، رئیس خانه احزاب ایران و... خدمت نمودند.

## نمای اجتهاد در عصر حاضر

آیت‌الله سید حسین موسوی تبریزی سخنران افتتاحیه نشست فقه پژوهی در اصفهان بودند. ابتدا ایشان از برگزاری چنین جلساتی ابراز خشنودی نمود. سپس با ابراز تأسف از وضعیت اجتهاد در حوزه‌های علمیه گفت: متأسفانه حوزه‌ها جرأت بررسی فقهی، استدلالی و اجتهادی را از دست داده‌اند و این یکی از ضایعات حوزه‌های ما در این عصر است. ما در تاریخ می‌خوانیم که پس از رحلت شیخ طوسی فقهای ما سال‌ها مقلد شیخ طوسی بودند و کسی جرأت نمی‌کرد اجتهادی بکند که خارج از فتاوی شیخ طوسی باشد؛ امروز حوزه و اجتهاد ما هم به همین بلیه دچار شده است، اگر مجتهدی به فتوای مخالف اجتهادات رایج برسد، مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد. آیت‌الله موسوی، با گزارشی از وضعیت اجتهاد در حوزه‌ها گفت: متأسفانه بعد از پیروزی انقلاب با وجود شخصیت فقیهی اعلم مثل حضرت امام (رحمة‌الله علیه) که مسائل را خیلی اصولی بحث می‌کردند و می‌توانستند برای ما راهگشا باشند، اما ما بهره لازم را نبردیم. جامعه در حال تحول نیازمند پاسخ‌های اجتهادی است تا هم افراد جامعه را قانع کند و هم راهگشا باشد. مشکل اینجا است که عده‌ای حاضر نیستند کوچک‌ترین تحولی در فقه به وجود آید. آنها متأسفانه بر مساجد، تریبون‌ها و حوزه‌ها غلبه یافته‌اند. این عده با ترویج تقدس‌نمایی با هرگونه تغییر و تحول مخالفند و باعث رکود در حوزه‌ها شده‌اند. در این بین فتاوی حضرت امام و حضرت آیت‌الله العظمی منتظری، که مسائل را خیلی روشمند بررسی می‌کردند می‌تواند سرمشقی برای طلبه‌ها در آینده باشد.

## اندیشه‌ای جدید

حرکت مبارکی که از سوی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی صانعی، آغاز شده است، ادامه دهنده روش ایشان می‌باشد. آیت‌الله صانعی فقه و اجتهادی پویا دارند و ابتکاراتی در فقه دارند، انشاء الله راه و حرکت نویی که آغاز شده است، ادامه یابد.

استاد درس خارج حوزه علمیه قم، در ادامه بیان داشت: موضوعی که قرار است درباره آن صحبت کنم، مسأله تغلیظ دیه در ماه‌های حرام است. دیه همان‌طور که در لغت و کتاب‌های مختلف آمده است یک نوع جبران ضرری است که به خانواده مقتول می‌رسد. در جاهلیت و قبل از اسلام، در برخی از قبایل وقتی که

و حرم به وجود آمده است؟ قبل از ورود به بحث، این سوال مطرح است که ماهیت دیه چیست؟ آیا جبران خسارت است یا نوعی مجازات می‌باشد تا نقش بازدارندگی ایفا کند؟ آیت‌الله موسوی تبریزی در بیان فلسفه‌ی تغلیظ می‌آورد: در رابطه‌ی با دیه یک آیه بیشتر نداریم و آن آیه ۹۲ سوره نساء می‌باشد که در رابطه با قتل غیر عمد است. در این آیه سفارش می‌کند که دیه باید به خانواده مقتول پرداخت شود و حتی اگر کافر اهل ذمه باشد، دیه را به خانواده ذمی می‌دهند و لو خود او کافر بوده است. با توجه اینکه قرآن فقط اشاره به دیه و جهت آن دارد ولی احکام آن را بیان نکرده است، احکام دیه بر مبنای روایات تعیین شده

■ از نظر فتوایی  
تا قبل از شیخ مفید  
(رحمة الله علیه)  
فتوایی در رابطه با  
تغلیظ دیه در ماه‌های حرام  
وجود ندارد  
و مرحوم مفید هم  
در مقنعه درباره تغلیظ  
در این ماه‌ها چیزی نگفته است  
و تغلیظ را مربوط به  
قتل در حرم دانسته است.  
■



کسی ولو خطایی کشته می‌شد قاتل را می‌کشتند. در بعضی از قبایل در قتل خطائی به دیه قناعت می‌کردند. در صورت پذیرش دیه، میزان آن برحسب اوضاع و احوال متفاوت بوده است. در اسلام اقسام شش گانه مرسوم در جاهلیت پذیرفته شده است. یک صد شتر و هزار گوسفند و هزار دینار و ده هزار درهم و... آمده است. این شش نوع اقسام براساس نظام تولیدی مناطق مختلف بوده و مبنای تبعیذی ندارد.

سوال اصلی این است که چرا تغلیظ دیه در ماه‌های حرام

است. در رابطه با مسئله‌ی تغلیظ در ماه‌های حرام آیه‌ای نداریم، مبنای احکام آن نیز روایات می‌باشد. اگر کسی در ماه حرام مرتکب قتل خطائی شود، مجبور به پرداخت تغلیظ در دیه است. در زندگی قبایلی، جنگ و درگیری زیاد بوده است، قراردادی بین قبایل عرب به وجود آمد که در ماه‌هایی که مربوط به عبادت آنها بود، جنگ و نزاع تعطیل گردد. در



فقط کفاره هستند. در دو روایت دیگر هم دیه و کفاره با هم آمده‌اند.

استاد حوزه علمیه قم به فتاوی‌های فقهای سلف در بحث تغلیظ اشاره کرد. از نظر فتوایی تا قبل از شیخ مفید (رحمة الله علیه) فتوایی در رابطه با تغلیظ دیه در ماه‌های حرام وجود ندارد و مرحوم مفید هم در مقنعه درباره تغلیظ در این ماه‌ها چیزی نگفته است و تغلیظ را مربوط به قتل در حرم دانسته است: «و من قُتل في الحرم فديته دية كاملة و ثلث»، تغلیظ برای حرم است، حرم غیر از اشهر الحرم است. این دو تا عنوان را همیشه دقت بکنید، فتواها فرق می‌کند. اول حرم را فرموده است: «و من قُتل في الحرم فديته دية كاملة»، یعنی تمام، «و ثلث». این عنوان را دقت

این ماه‌ها هرکس مرتکب قتل خطائی می‌شد باید دیه بیشتری پرداخت می‌کرد. این قانون قبل از اسلام بوده است و شارع مقدس اسلام که در قرآن و در رابطه با اشهر الحرم بیانی دارد که باید قتل و قتال را در آن کنار بگذارند، اشاره به همین قضیه دارد. رجب، ذی القعدة، ذی الحجه و محرم، ماه‌های حرام هستند. در این ماه‌ها قرارداد آتش بسی بوده است و هر کس تخلف می‌کرد، جریمه می‌شد. اصطلاح حُرْم صرفاً به خاطر همان آتش بس چند ماهه است و هیچ فلسفه‌ای در قداست این ایام نیست.

آیت‌الله موسوی تبریزی در ادامه با اشاره به روایات تغلیظ می‌گوید: در این رابطه پنج روایت وجود دارد، شاید هم



■ **تغلیظ دیه اصلاً واجب نیست. روایاتی که مبنای استدلال واقع می‌شوند خیلی معتبر نیستند و نمی‌توانند در جایی که مربوط به حقوق انسانی و تحمیل کردن به انسان‌ها است، مستند قرار گیرند.** ■

شود، علت تغلیظ را «لانتهاك حرمة» آورده است، زیرا این مکان حرمت دارد و هتک شده است. «و ذلك لقوله تعالى: وَ مِنْ ذَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» به آن آیه‌ی شریفه استدلال کرده است. هر کسی داخل در آنجا شد، باید آمن باشد و اگر آمن نباشد آن وقت یک مجازات اضافه دارد. کسی که امنیت آنجا را رعایت نکرده باشد، یک مجازات اضافه دارد که آن پرداخت ثلث اضافه می‌باشد. چون هتک حرمت این شخص در حرم شده است.

مرحوم ابن ادریس هم گفته «و من قُتل غیره في الحرم، أو

شش تا باشند. دو روایت مربوط به کلیب اسدی است. در بین روایت دو نفر به نام کلیب داریم که هر دوی آنها ضعیف هستند. این روایات منقول از امام صادق هستند. سه یا چهار روایت دیگر هم از زراره نقل شده است. جالب این است که این چهار روایت هم دقیقاً یک روایت است، گاهی یک کلمه‌ی آن این طرف و آن طرف نقل شده است. در حالی که همه منسوب به زراره می‌باشند. با همه این ضعف‌ها دو تای آنها اصلاً مربوط به دیه نیستند و

أحد أشهر الحرم و هي رجب، و ذو القعدة، و ذو الحجة، و المحرم و أخذت منه الدية، صلحا على ما قدمناه، كان عليه دية و ثلث، من أي أجناس الديات كانت، لانتهاكه حرمة الحرم، و أشهر الحرم؛<sup>٢</sup> در این جا قتل آورده است. ظهور قتل در قتل عمد است. قرینه‌ی آن هم این است که «و أخذت منه الدية، صلحا» در قتل عمدی است که عوض قصاص مصالحه می‌کنند و دیه می‌گیرند. «كان عليه دية و ثلث»؛ باز می‌گوید: «لانتهاكه حرمة الحرم، و أشهر الحرم» برای این که هم حرمت حرم را از بین برده است و هم حرمت اشهر الحرم را از بین برده است.

پس این فرمایش مرحوم ابن ادریس خیلی صریح است در این که قتل، عمدی باشد؛ چون در عمد عوض قصاص دیه می‌گیرند، وقتی قصاص شد دیگر دیه‌ی اضافی نمی‌گیرند. محقق هم در شرایع گفته است: «ولو قتل في الشهر الحرام ألزم دية و ثلثا»<sup>٣</sup>؛ این جا به یک دیه و ثلث الزام می‌شود، «من أي الأجناس»؛ هر چیزی که انتخاب کنند، «كان تغليظا» شامل تغلیظ می‌شود.

آیت‌الله موسوی تبریزی در جمع بندی می‌آورد: اگر بخواهیم از کلمات فقها جمع بندی داشته باشیم، تا قبل از شیخ مفید (رحمة‌الله علیه) ما هیچ فتوایی نداریم. بعد از شیخ مفید تا زمان شیخ طوسی باز فتوایی نداریم ولی شیخ طوسی ادعای اجماع می‌کند، دیگران هم گفته‌اند، این اجماع از کجا نقل شده است؟ بعد از شیخ طوسی تا به زمان ابن ادریس طول کشیده است.

در جمع بندی روایات می‌توان گفت: «عَنْ كَلْبِ بْنِ الْأَسَدِيِّ»، کلب اسدی مجهول است و توثیق نشده است.

روایت از امام باقر<sup>علیه السلام</sup> است که زراره نقل می‌کند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِذَا قُتِلَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ حَرَامٍ» اگر کسی در شهر حرام دیگری را بکشد، «صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ أَشْهُرِ الْحُرْمِ»؛<sup>٤</sup> اولاً دیه و تغلیظ دیه نیست. در قتل خطائی اصل بر دیه است، تغلیظ در اینجا نیست. تغلیظ آن «صِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ»، روزه دومه پشت سر هم است. در ضمن «قُتِلَ» هم است. ظهور «قُتِلَ» در امر است. یعنی با قصد «قُتِلَ الرَّجُلُ» نیست. «قُتِلَ» با قصد است. به خاطر هتک حیثیت هم باشد یا نباشد، اگر بتواند روزه می‌گیرد، نتواند هم نمی‌گیرد. اصلاً مسئله‌ی دیه در این روایت هم نیست. روایت سومی که باز این جا وجود دارد. از زراره نقل می‌کند. مرحوم شیخ با سند خود از ابن ابی عمیر نقل

■ **حرکت مبارکی که از سوی دفتر حضرت آیت‌الله العظمی صانعی، آغاز شده است، ادامه دهنده روش ایشان می‌باشد. آیت‌الله صانعی فقه و اجتهادی پویا دارند و ابتکاراتی در فقه دارند، انشاء الله راه و حرکت نویی که آغاز شده است، ادامه یابد.**





■ متأسفانه حوزه‌ها جرأت  
بررسی فقهی، استدلالی و  
اجتهادی را از دست داده‌اند و  
این یکی از ضایعات حوزه‌های  
ما در این عصر است. ■

می‌کند که خوب است. «عَنْ أَبِيانَ بْنِ عُثْمَانَ» آن هم خوب است، «عَنْ زُرَّازَةَ قُلْتُ (لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ) زَجَلْتُ قَتْلَ فِي الْحَرَمِ» این هم حرم است، اشهر الحرم نیست. روایت قبلی شهر حرام بود این حرم. «قَالَ عَلَيْهِ دِيَةٌ وَ تُلْتُ» در حرم اگر بکشد، دیه و ثلث است. آنجا در شهر حرام گفته است، این‌جا «فی الحرم» گفته است. بین این دو تفاوت وجود دارد. قتل در حرم، دیه و ثلث آن را در پی دارد، اما در ماه‌های حرام فقط «صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ» است.

اما بعد از بحث روایی باید به قول آیت‌الله العظمی منتظری که می‌گفتند: مجازات امور تعبدی نیستند و فلسفه اجرای آنها اصلاح جامعه است، توجه داشت.

به نظر من در این زمان، تغلیظ دیه اصلاً واجب نیست. روایاتی که مبنای استدلال واقع می‌شوند خیلی معتبر نیستند و نمی‌توانند در جایی که مربوط به حقوق انسانی و تحمیل کردن به انسان‌ها است، مستند قرار گیرند. مثلاً در تصادفات وسایل نقلیه یا اینکه آجر دیوارش به سر کسی افتاده و کشته شده و امثال اینها، مشکل است بتوان حکم به تغلیظ کرد، و براساس این روایات افرادی را زندانی کنیم تا دیه مغلظه را بدهند.

#### پانوش‌ها:

۱. المقنعة، ص: ۷۴۴-۷۴۳؛ البته شیخ مفید در ادامه دیه مقتول در ماه‌های حرام را هم شامل تغلیظ می‌داند؛ و این که استاد محترم به آن توجه نکرده‌اند جای تعجب دارد. عبارت شیخ مفید این چنین است: «و من قتل فی الحرم فدیته دية كاملة و ثلث لانتهاک حرمة فی الحرم. و كذلك المقتول فی الأشهر الحرم و هنّ رجب و ذو القعدة و ذو الحجة و المحرم، يجب علی القاتل فیها دية كاملة و ثلث لحرمة الشهر الحرم.»
۲. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج، ص: ۳۶۳.
۳. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرم، ج، ص: ۲۲۹.
۴. وسائل الشیعة، ج، ص: ۲۰۳-۲۰۴، ح ۲.
۵. همان، ح ۳.

